

متن پرسش

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت استاد عزیز؛ ضمن عرض تسلیت به مناسبت ایام شهادت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام. بیانات ارزشمند جنابعالی را در برنامه سوره شنیدیم و فیض بردیم. منتهی در رابطه با یک نکته مزاحم جنابعالی شدم و وقت شریف شما را می‌گیرم و آن اینکه در دقایق پایانی سخنرانی شما شاهد یک شور ایمانی و یک شکفتگی بودم به گونه‌ای که احساس کردم سر تا پای وجود شما در یک قبضی افتاده و بغضی هست که به قول معروف در حال ترکیدن است ولی همچنان سخت سعی می‌کنید جلوی آن را بگیرید. و جنابعالی در آخر سخنرانی با آن جمله پایانی، اجمالا باب یک بحثی را باز کردید که شاید نیاز هست در چند جلسه به تفصیل در آید که: «ما امشب در شب عاشورا بنایمان آن است که در عهد حسینی باقی بمانیم زیر دریا خوش بود یا روی او * قهر او دلکش بود یا مهر او خنک آن قماربازی که بباخت هرچه بودش * و نماند هیچش الا هوس قمار دیگر حالا شما بفرمایید که ما شب عاشورا چطوری شهید بشیم تا اینکه دیگر بودنمان بودن حسینی بشود.» و اینکه گفتم باب یک بحثی باز شد این است که استاد عزیز ما، بفرمایید ما شب عاشورا و نه فقط شب عاشورا که «کل یوم عاشورا و کل عرض کربلا» چطوری شهید بشویم تا اینکه دیگر بودنمان بودن حسینی بشود؟ التماس دعا. یا حق

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: انقلاب اسلامی عزیز امروز راهی در مقابل ما گشوده است که هرکجا که باشیم حتی در ساده‌ترین نوع زندگی در گوشه گوشه این کشور، می‌توانیم با روحیه پاکبازی و سلحشوری، خود را در زمره بهترین انسان‌های روزگار قرار دهیم. موفق باشید